

مطالعه جامعه‌شناختی سازمان اجتماعی مهاجران روستایی

در شهر و نقش آن در توسعه محلی

(مطالعه موردی محله تهران ویلا)*

حسین ایمانی جاجرمی^۱، فاطمه برغانی برزگری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ تاریخ تایید: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹)

چکیده

در این پژوهش، نقش سازمان اجتماعی مهاجران روستایی در شهر و تاثیر آن بر توسعه محلی با تمرکز بر دیدگاه‌های پورتس^۲ و بومس^۴ در محله تهران ویلا در منطقه دو تهران بررسی می‌شود. تحقیق با رویکرد کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای انجام شده، گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و روایت‌های ۴۰ نفر از (سه نسل مهاجر شامل ۱۳ زن و ۲۷ مرد) در تهران ویلا (مقصد) و بیدک یزد (مبدا) مهاجران و ۶ نفر از مطلعان کلیدی، جلسات گروه متمرکز، مشاهدات میدانی و تحلیل داده‌های ثانویه آماری صورت گرفت. حاصل تحلیل، استخراج مقوله محوری «سازمان‌های اجتماعی مهاجران به مثابه تسهیل‌گرتوسعه محلی» شناسایی شد. نتایج نشان می‌دهند که سازمان‌های اجتماعی مهاجران روستایی به‌مثابه نهادهایی دموکراتیک عمل کرده‌اند؛ آنها با ایجاد شبکه‌های حمایتی و تقویت حس تعلق به محله، به ارتقاء کیفیت زندگی، تقویت همبستگی اجتماعی و تسهیل مشارکت ساکنان در فرآیندهای توسعه محلی کمک کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سازمان اجتماعی، مهاجران روستایی، سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار محلی، بیدک یزد، تهران ویلا

Doi: 110.22034/jsi.2025.2054081.1774

* مقاله علمی پژوهشی؛

Jajarmi_imanicacarmi@ut.ac.ir

۱ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲ دانشجوی دکتری مطالعات توسعه اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده

fatemebarzgari@ut.ac.ir

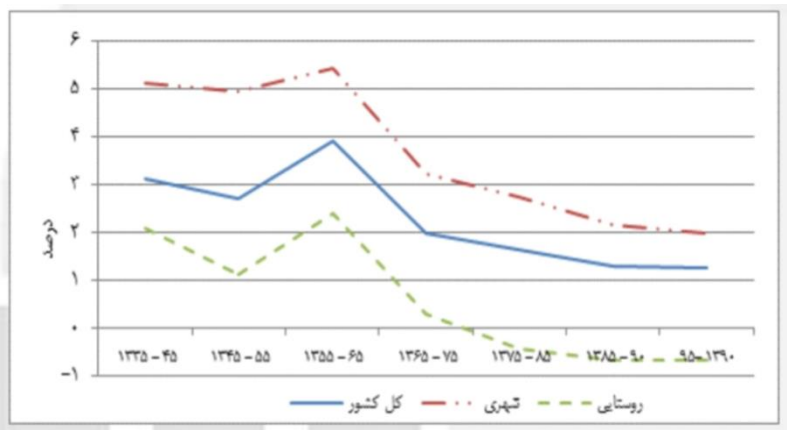
مسئول)

3 portes

4 Bommies

مقدمه و بیان مساله

نمودارهای جمعیتی ایران طی شش دهه اخیر، نمایانگر دگرگونی‌های بنیادین در الگوی توسعه فضایی کشور است؛ دگرگونی‌ای که ریشه آن را باید در اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ جستجو کرد. این اصلاحات، با هدف بازتوزیع زمین و کاهش سلطه اربابان بر روستاییان آغاز شد، اگرچه در کوتاه‌مدت ساختار مالکیت را تغییر داد، اما در بلندمدت به فروپاشی نظام تولید کشاورزی سنتی، کاهش امنیت معیشتی روستاییان و گسترش مهاجرت به شهرها انجامید. در نتیجه، نرخ رشد جمعیت شهری به طرز چشمگیری افزایش یافت، در حالی که رشد جمعیت روستایی روندی کاهشی یافت. این واگرایی در رشد جمعیت، پیامد تمرکز امکانات و خدمات در شهرها و ناتوانی برنامه‌های توسعه روستایی در تثبیت جمعیت در زادگاهشان است. چنین روندی نشان می‌دهد که شهرنشینی در ایران نه از توسعه متوازن، بلکه از بطن یک جابه‌جایی ساختاری ناپایدار سربرآورده که پیامد آن شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و گسست‌های اجتماعی در فضای شهری است (ازکیا، ۱۳۹۵).



نمودار ۱: متوسط رشد سالانه جمعیت کشور به تفکیک کل کشور، شهری و روستایی در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ (منبع: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت، ۱۳۹۸)

از سوی دیگر پیش‌بینی‌های رسمی تا سال ۱۴۳۰، نشان می‌دهد این روند همچنان ادامه خواهد یافت و جمعیت شهری کشور از مرز ۸۹ درصد فراتر خواهد رفت.

جدول ۱: برآورد رشد جمعیت مناطق روستایی کشور با چهار فرض پیش‌بینی ۱۳۹۵-۱۴۳۰

| سال‌های پیش‌بینی | فرض اول | | فرض دوم | |
|------------------|------------------------------------|-----------------------------------|---------|----------------------|
| | افزایش میزان باروری کل (۲/۶ فرزند) | تثبیت میزان باروری کل (۲/۱ فرزند) | فرض سوم | کاهش میزان باروری کل |
| ۱۳۹۵-۱۴۰۰ | -۰/۴۴ | -۰/۳۹ | -۰/۵۳ | -۰/۵۰ |
| ۱۴۰۰-۱۴۰۵ | -۰/۶۴ | -۰/۷۷ | -۰/۸۸ | -۰/۸۰ |
| ۱۴۰۵-۱۴۱۰ | -۰/۴۵ | -۰/۶۳ | -۰/۸۴ | -۰/۶۹ |
| ۱۴۱۰-۱۴۱۵ | ۰/۰۳ | -۰/۲۳ | -۰/۵۰ | -۰/۳۱ |
| ۱۴۱۵-۱۴۲۰ | -۱/۴۷ | -۱/۷۶ | -۲/۰۷ | -۰/۴۳ |
| ۱۴۲۰-۱۴۲۵ | -۱/۰۷ | -۱/۳۸ | -۱/۷۴ | -۰/۴۳ |
| ۱۴۲۵-۱۴۳۰ | -۰/۵۳ | -۰/۸۸ | -۱/۳۰ | -۰/۶۰ |
| ۱۳۹۵-۱۴۳۰ | -۰/۶۶ | -۰/۸۸ | -۱/۱۲ | -۰/۵۴ |

منبع: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت، ۱۳۹۸

روند افزایش مهاجرت، برطبق داده‌های وزارت کشور (۱۳۹۹)، موجب شده که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۵ جمعیت حاشیه‌نشین به بیش از ۲/۶ برابر افزایش یافته و تهران با بیشترین جمعیت ساکن در این مناطق و استان خراسان رضوی با بیشترین تعداد محلات حاشیه‌نشین در صدر این پدیده قرار گیرد (شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۹). بر همین اساس، جمعیت این سکونتگاه‌ها از حدود ۴ میلیون نفر در سال ۱۳۷۹ به بیش از ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۹ افزایش یافته که روندی نگران‌کننده از گسترش فقر فضایی و اجتماعی در بافت‌های شهری است (مرکز داده‌ها و رصد وزارت کشور، ۱۳۹۹).

آمارهای مرتبط با حاشیه‌نشینی، تاکید بر نقش برجسته سازمان‌های اجتماعی در پیشگیری از این پدیده و ارتقای توسعه محلی است. همانطور که هدف یازدهم توسعه پایدار^۱ بر ایجاد شهرهایی فراگیر، ایمن، تاب‌آور و پایدار تاکید می‌کند و سازمان‌های اجتماعی به‌عنوان نیروهای توانمندساز جوامع محلی معرفی شده‌اند (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۵). مشارکت نهادهای مردمی و سازمان‌یافتگی گروه‌های مهاجر، به‌ویژه در مناطق شهری مهاجرپذیر، نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش فقر، نابرابری فضایی و افزایش تاب‌آوری شهری دارد (بانک جهانی،^۲ ۲۰۰۹؛ برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد،^۳ ۲۰۲۱).

1 SDG11
2-World Bank
3- UN-Habitat

اگرچه روند کلی مهاجرت روستایی به شهرها در ایران، به رشد سریع جمعیت شهری و در بسیاری موارد به گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی و پدیده حاشیه‌نشینی منجر شده است، نمونه‌هایی نیز وجود دارد که نشان می‌دهند مهاجرت روستایی می‌تواند به‌جای حاشیه‌نشینی، به ادغام موفق اجتماعی و اقتصادی در ساختار رسمی شهر بینجامد. نکته مهم آن است که این پژوهش برخلاف تعریف آماری مهاجرت (اغلب مبتنی بر جابه‌جایی در بازه‌ای از یک تا پنج‌ساله)، از تعریف جامعه‌شناختی آن پیروی می‌کند. با استناد به نظریه‌های نیل (۲۰۱۵) و پورترس (۲۰۱۸)، مهاجرت صرفاً یک جابه‌جایی مکانی نیست بلکه انتقال ساخت اجتماعی، شکل‌گیری هویت جمعی جدید و سازمان‌دهی روابط اقتصادی و فرهنگی در مکان جدید است (نیل^۱، ۲۰۱۵؛ پورترس، ۲۰۱۸). بنابراین، مهاجر روستایی در این تحقیق، کسی است که از روستا به شهر آمده و با حفظ و بازتولید سرمایه اجتماعی و شبکه‌های حمایتی، در فرآیند توسعه نقش دارد— خواه این مهاجرت در سال‌های اخیر یا در دهه‌ها پیش- صورت گرفته باشد.

بر پایه اسناد محلی، داده‌های میدانی، مصاحبه‌های عمیق با ساکنان و بررسی نهادهای اجتماعی فعال محله تهران‌ویلا، می‌توان اذعان داشت که بافت اجتماعی تهران‌ویلا تحت تأثیر یک گروه مهاجر خاص — یعنی مهاجران بیدک یزد — شکل گرفته و پایداری یافته است به تعبیر نیل (۲۰۱۵)، مهاجرت نه یک «رویداد» بلکه یک «فرایند اجتماعی» است که ممکن است نسل‌ها ادامه یابد و از شکل‌گیری شبکه‌های اعتماد، نهادهای محلی و حافظه جمعی عبور کند (نیل، ۲۰۱۵).. بنابراین، حتی اگر امروز درصد مهاجران تازه‌وارد از بیدک نسبتاً پایین باشد، ساختار کنونی این محله، سازمان‌های اجتماعی فعال در آن و شیوه‌های مشارکت‌محور ساکنان، ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی مهاجران اولیه این جامعه دارد. در واقع، فرهنگ مشارکت و سرمایه اجتماعی شکل‌گرفته در محله تهران‌ویلا را نمی‌توان صرفاً به عوامل اقتصادی یا ساختار فیزیکی شهری نسبت داد، بلکه باید آن را در چارچوب «تداوم کنش‌های اجتماعی یک گروه مهاجر منسجم» تحلیل کرد.. مطالعه سازمان‌یابی جمعی این مهاجران، استمرار روابط خویشاوندی و حضور نهادی در فضاهای رسمی، توسعه محلی را نه از بالا، بلکه از پایین و در قالب شبکه‌های اجتماعی و مشارکت‌های مردمی ممکن ساخته است. این الگو از کنش جمعی، به‌ویژه در قالب هیئت‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه و نهادهای خیریه‌ای، بستری برای ادغام اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح محله فراهم کرده است.

1 Nail

با وجود اهمیت این موضوع، در اغلب پژوهش‌های مرتبط با مهاجرت، یا به‌طور کلی به مهاجران روستایی پرداخته شده یا تمرکز بر حاشیه‌نشینی و محرومیت‌های آنان در کلان‌شهرها بوده است. اما کمتر پژوهشی به مطالعه دقیق یک گروه مهاجر با خاستگاه و پیوندهای مشخص و ماندگاری نهادی در بستر یک محله شهری پرداخته است؛ از این‌رو پرسش اصلی این تحقیق چنین طرح می‌شود: سازمان اجتماعی مهاجران روستای بیدک در محله تهران ویلا چگونه شکل گرفته و چه نقشی در تقویت انسجام اجتماعی و توسعه محلی این محله داشته است. در پاسخ به این پرسش، هدف اصلی تحقیق، تحلیل جامعه‌شناختی فرایندهای سازمان‌یابی اجتماعی، شبکه‌های خویشاوندی، پیوندهای نهادی و مشارکت‌های محلی مهاجران بیدکی در این محله است؛ با این امید که بتواند سهم چنین گروه‌هایی را در بازتعریف توسعه محلی، فراتر از الگوهای بالا به پایین، و بر اساس کنش‌گری اجتماع‌محور، نشان دهد.

پیشینه تحقیق

مهاجرت روستاییان به شهرها پدیده‌ای جهانی است به ویژه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود. مطالعات داخلی و بین‌المللی متعددی به بررسی سازمان‌های اجتماعی مهاجران روستایی در شهرها و تأثیرات آنها بر جوامع شهری و روستایی پرداخته‌اند. در ادامه، به برخی از این تحقیقات اشاره می‌شود:

مطالعات داخلی

در پژوهش‌های داخلی، ارتباط میان تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار محلی در ایران مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه اکبری و همکاران (۱۴۰۱)، ازکیا و همکاران (۱۴۰۱)، خاکپور و همکاران (۱۳۹۵)، به تحلیل پیوندهای روستایی-شهری، شبکه‌های مهاجرت و توسعه روستایی با روش توصیفی - تحلیلی به موضوع پرداخته‌اند، یافته‌ها نشان می‌دهد توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی شرط انکارناپذیر تحقق مفهوم پایداری در توسعه محلی است و با تقویت آن دستیابی به ظرفیتهای فردی و گروهی برگرفته از سازمان‌های اجتماعی مهاجران قابل دسترسی است. مظاهری (۱۳۹۴)، رستمعلی‌زاده (۱۳۹۵)، الهیاری و همکاران (۱۳۹۸)، فرهادی‌خواه و همکاران (۱۳۹۸)، صفاریان و همکاران (۱۴۰۱) به نقش شبکه‌های اجتماعی مهاجران و بازتولید فرهنگ مهاجرت در مناطق روستایی و شهری پرداخته‌اند. این مطالعات با روش کیفی و تمرکز بر جریان‌های مهاجرت‌های روستایی - شهری نشان می‌دهد که مهاجران پیشگام از موقعیت

اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری نسبت به بومیان مبدأ و مقصد برخوردار بودند و با بهبود نسبی وضعیت اقتصادی خود (از طریق شبکه‌های مهاجرتی)، به خانواده و خویشاوندان در روستاهای مبدأ کمک مالی می‌کردند. این ارتباطات منجر به ایجاد شبکه‌های مهاجرتی شده و بر انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری به واسطه سازمانهای اجتماعی آنان تاکید دارند.

مطالعات خارجی

پژوهش‌هایی که به‌طور خاص بر سازمان‌های اجتماعی مهاجران و تأثیر آنها بر توسعه محلی تمرکز داشته‌اند، بومس (۲۰۰۸)، پورتس (۲۰۲۴)، ویمر^۱ (۲۰۱۳) و نیل^۲ (۲۰۱۵) به نقش این سازمان‌ها در تقویت فرآیندهای توسعه محلی اشاره کرده‌اند. این تحقیقات نشان داده‌اند که سازمان‌های اجتماعی مهاجران می‌توانند منابع حمایتی برای مهاجران فراهم کرده و از طریق ایجاد شبکه‌های اجتماعی و برهمکنش‌های اجتماعی، به ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجران در جوامع میزبان کمک کنند. همچنین پالمر^۳ و پرکینس^۴ (۲۰۱۰) و لانداو^۵ (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی با ایجاد انسجام اجتماعی، به بهبود ساختارهای محلی و تقویت نهادهای اجتماعی کمک می‌کند. فیدمن^۶ (۲۰۱۷) مشارکت مدنی را یکی از مهم‌ترین ابزارهای تقویت انسجام اجتماعی دانسته‌اند؛ نشان می‌دهند که سازمان‌های مبتنی بر جوامع محلی تأثیر مستقیمی بر افزایش برهمکنش‌های همسایگی، سازگاری رفتاری و تقویت حس تعلق مهاجران دارند. این سازمان‌ها از طریق خدمات و همبستگی اجتماعی، هم برای شرکت‌کنندگان و هم برای افرادی که به‌طور مستقیم عضو نیستند، یکپارچگی اجتماعی را تقویت می‌کنند. این مطالعات نشان می‌دهند که سازمان‌های اجتماعی مهاجران روستایی در شهرها می‌توانند نقش مهمی در تسهیل فرآیند مهاجرت، حفظ هویت فرهنگی و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مهاجران داشته باشند. همچنین، این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان پل ارتباطی بین جوامع روستایی و شهری عمل کرده و به توسعه متوازن هر دو منطقه کمک کنند.

1 Wimmer.A

2 Nail.T

3 Palmer

4 Perkins

5 Landav

6 Fidman

چارچوب مفهومی

بررسی نظریه های بومس و پورتس در حوزه مهاجرت، به فهم بهتر موضوع تحقیق کمک می‌کند. بومس (۲۰۰۶) ادغام اجتماعی را فرآیندی چندبعدی می‌داند که در آن مهاجران نه فقط در بعد فرهنگی، بلکه در عرصه‌های اقتصادی، آموزشی، سیاسی و نهادی باید مشارکت یابند. از منظر او، ادغام تنها در سیاست‌گذاری‌های کلان رخ نمی‌دهد بلکه ریشه در روابط روزمره و محلی دارد. محله‌های شهری، فضاهایی کلیدی برای کنش متقابل میان مهاجران و ساکنان بومی هستند، جایی که شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرند و مهاجران از طریق برهمکنش‌های اجتماعی، آموزش جمعی، مشارکت در بازار کار و زندگی شهری، به ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه جدید وارد می‌شوند. از نگاه بومس، نهادهای محلی نظیر شهرداری‌ها، **مدرسه‌ها** و مراکز خدماتی نقش بنیادینی در این فرآیند دارند و می‌توانند با سیاست‌گذاری خلاقانه، مهاجران را از انزوا به مشارکت فعال سوق دهند. بومس همچنین نسبت به غفلت از سطح خرد و بین‌فردی در سیاست‌گذاری‌ها هشدار داده و بر اهمیت کنش‌های کوچک اما مؤثر در مدارس، خانه‌ها و فضاهای عمومی شهری تأکید می‌گذارد (بومس، ۲۰۰۶).

سرمایه اجتماعی از دیدگاه پورتس (۲۰۱۸)، نه صرفاً به مثابه مجموعه‌ای از روابط، بلکه به عنوان منبعی واقعی برای دستیابی به فرصت‌ها، حمایت‌ها و انسجام اجتماعی عمل می‌کند. این سرمایه در پیوندهای ضعیف، یعنی ارتباطات سطحی‌تر با دایره‌ای گسترده‌تر، امکان دسترسی به اطلاعات و منابع متنوع‌تری را فراهم می‌آورد؛ در حالی که پیوندهای قوی، مبتنی بر خویشاوندی و دوستی نزدیک، پشتیبانی عاطفی و انسجام درون‌گروهی را تقویت می‌کنند. همچنین پیوندهای افقی، که میان افراد هم‌سطح اجتماعی برقرارند، همبستگی و مشارکت محلی را تسهیل می‌کنند، در حالی که پیوندهای عمودی میان مردم و نهادهای رسمی، به ادغام اجتماعی، نفوذ در ساختارهای قدرت و مشارکت در فرآیندهای توسعه محلی کمک می‌کنند. اما در عین حال این شبکه‌ها ممکن است انحصاری شده و دسترسی به فرصت‌ها را برای برخی محدود کنند. پورتس همچنین به فشارهای اجتماعی و خطر حمایت از رفتارهای غیراخلاقی در چارچوب شبکه‌ها اشاره دارد. وی سازمان اجتماعی را در تعادل بین نیروی انسجام‌بخش و بازدارنده می‌بیند و معتقد است سازمان‌های اجتماعی در توسعه محلی نقش مهمی دارند، مشروط بر اینکه به سمت عدالت و کاهش نابرابری هدایت شوند وگرنه ممکن است مانع توسعه عادلانه شوند.

پورتس و بومس تأکید دارند که سازمان‌های اجتماعی مهاجران می‌توانند با ایجاد شبکه‌های حمایتی، این محدودیت‌ها را کاهش دهند و به ادغام اقتصادی و اجتماعی کمک کنند.

روش تحقیق

این تحقیق با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای^۱ بر پایه الگوی اشترواس و کوربین انجام شده است. هدف آن تولید نظریه‌ای برخاسته از داده‌های میدانی است. برای تقویت تحلیل کیفی و افزایش دقت در تبیین زمینه‌های اجتماعی محله، از برخی داده‌های آماری و کمی (نظیر جمعیت محله، ساختار مالکیت، نرخ اشتغال و سواد) نیز استفاده شده است تا امکان فهم دقیق‌تری از زمینه اجتماعی و روندهای ساختاری را فراهم آورد.

شیوه گردآوری داده‌ها:

- مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۰ نفر از بیدک (مبداء)، ۳۰ نفر از تهران‌ویلا (مقصد) از سه نسل مختلف از مهاجران بیدکی
- برداشت‌برداری و مشاهده مستقیم از نظام فعالیت‌های اقتصادی محله
- یادداشت‌برداری میدانی و تحلیل زمینه‌ای فعالیت‌ها، نهادها و رفتارهای اجتماعی در فضاهای عمومی همچنین گردآوری برخی داده‌ها از طریق اسناد محلی، وقایع‌نگاری محله‌ای و مشاهده مناسک عمومی مانند هیئت‌ها، مجالس عزاداری و جشن‌ها.
در این پژوهش، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و بر پایه تنوع نسلی، مکانی و تجربه زیسته انجام شد. برای بازسازی تاریخی و نهادی شکل‌گیری سازمان اجتماعی مهاجران، با افراد نسل اول (سنین بالای ۸۰ سال) در بیدک و محله تهران‌ویلا مصاحبه شد. این افراد به‌عنوان شاهدان و کنشگران دوره نخست مهاجرت (۱۳۳۰) حافظه تاریخی و روایت‌های بنیادینی از فرآیندهای اولیه ساخت محله، سبک زندگی مهاجران، شکل‌گیری نهادهای مذهبی-فرهنگی، مشارکت‌های خویشاوندی و سازوکارهای اعتماد محلی را ارائه کردند. گفتگو با آنان، امکان تحلیل دقیق‌تر پیوند بین سرمایه اجتماعی روستایی و بازتولید آن در بافت شهری را فراهم کرد. در کنار آن، مصاحبه با نسل دوم (فرزندان مهاجران اولیه) با هدف بررسی فرآیند تداوم یا تغییر در ارزش‌ها، هویت اجتماعی، و مشارکت نهادی صورت گرفت. این نسل نقش مهمی در میانجی‌گری فرهنگی میان

1 Grounded Theory

سنت و مدرنیته داشته است. مصاحبه با نسل سوم نیز با هدف شناخت تجربه‌های امروزی از «ادغام اجتماعی»، درک احساس تعلق، مشارکت شهری و بازنمایی تفاوت‌های نسلی در مواجهه با محله و نهادهای آن انجام شد.

همچنین با ۶ نفر از مطلعان کلیدی (۱ نفر در بیدک و ۵ نفر در تهران‌ویلا) مصاحبه شد که نقش کلیدی در شناخت ساختارهای درونی محله و بازسازی روایت‌های تاریخی داشتند. یکی از این افراد، فرزند حسن زارع - از بنیان‌گذاران اصلی محله تهران‌ویلا - بود که با در اختیار داشتن اسناد ساخت‌وساز، نقشه‌های اولیه و حافظه نهادی خانوادگی، پیوند میان تجربه زیسته فردی و تاریخ اجتماعی محله را روشن ساخت و به‌عنوان حامل سرمایه نمادین و روایی نقش مهمی در تحلیل داده‌ها ایفا کرد.

-دو جلسه گروه متمرکز با حضور مطلعان محلی برگزار شد تا بازنمایی‌های جمعی از حافظه محله، تجربه مشارکت، و تحولات اجتماعی مستند گردد.

مصاحبه‌شوندگان از نظر سطح تحصیلات نیز دارای تنوع قابل‌توجهی بودند، به‌طوری‌که از افراد بی‌سواد تا دارندگان مدرک دکتری را دربرمی‌گرفتند؛ این تنوع به درک چندلایه‌ای از تجربه زیسته، انتقال میان‌نسلی دانش و تفاوت‌های درک اجتماعی از مشارکت و توسعه محلی کمک کرد.

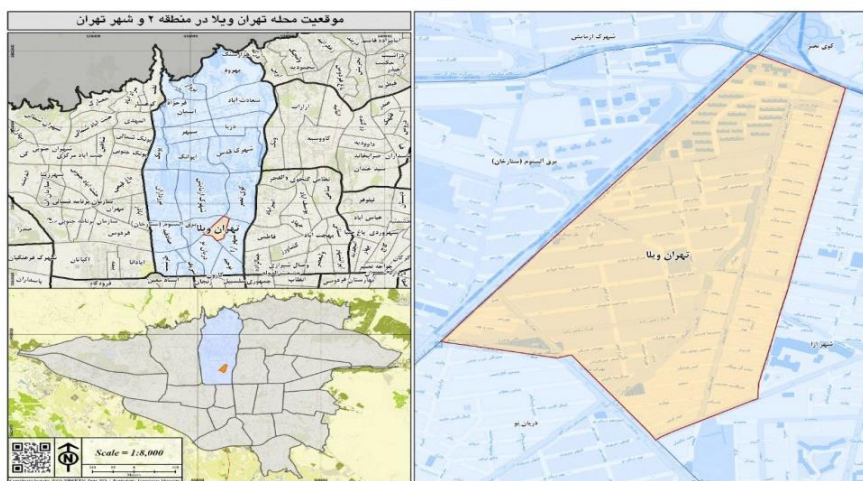
شیوه تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه روش نظریه زمینه‌ای انجام شد: کدگذاری باز: شناسایی و استخراج ۲۱۵ کد اولیه از ۱۶۰ واحد داده‌ای، پس از حذف هم‌پوشانی‌ها به ۱۶۳ مفهوم کلیدی تقلیل یافت. کدگذاری محوری: تجمیع مفاهیم در قالب ۱۱ مقوله اصلی مرتبط با ابعاد مختلف سازمان اجتماعی مهاجران.

کدگذاری انتخابی: شناسایی مقوله مرکزی و تدوین نظریه نهایی پژوهش. برای افزایش اعتبار و روایی داده‌ها، از روش‌های مثلث‌سازی، بازبینی مشارکت‌کنندگان و ثبت یادداشت‌های تحلیلی پژوهشگر استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

محل «تهران ویلا» محله‌ای که سابقه ساخت آن برطبق اسناد رسمی به قبل از ۱۳۳۰ برمی‌گردد، از شمال به کوی نویسندگان، از جنوب به ستارخان، از شرق به شهرآرا و از غرب به خیابان پاک شمالی محدود می‌شود. دسترسی به تهران ویلا از طریق بزرگراه جلال‌آل‌احمد و شیخ فضل‌الله نوری امکانپذیر است.



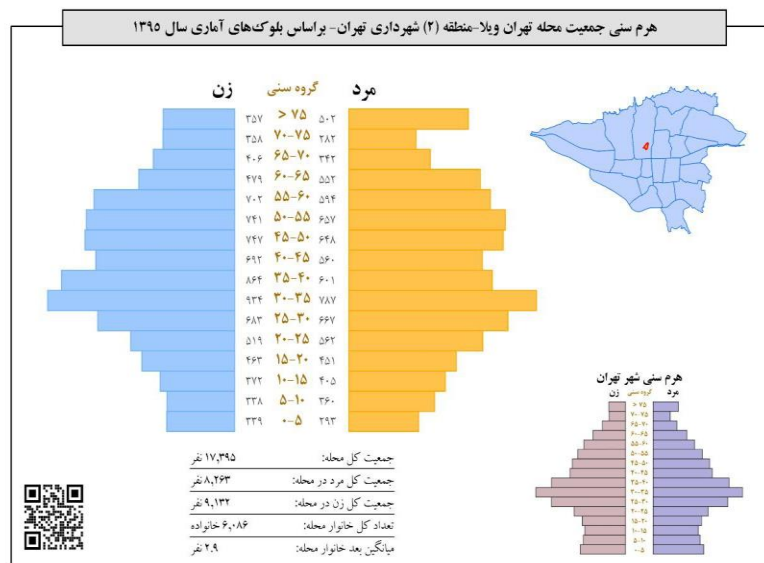
شکل ۱: موقعیت محله تهران ویلا در منطقه ۲ و شهر تهران

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)

محله تهران ویلا به دلیل موقعیت مرکزی و دسترسی مناسب به امکانات شهری (مانند مراکز خرید، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و خیابان‌های اصلی) بستری مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی و تجاری فراهم کرده است. وجود این زیرساخت‌ها امکان برگزاری رویدادهای جمعی و حضور فعال‌تر ساکنان در محله را افزایش می‌دهد.

تهران ویلا با جمعیتی حدود ۱۷ هزار نفر، یکی از محله‌های قدیمی است که بخش عمده‌ای از ساکنان آن را مهاجران روستایی بیدک یزد، تشکیل داده‌اند. برطبق داده‌های مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سطح سواد ساکنان (۹۸ درصد)، متراژ مسکن تحت تملک (بالای ۱۰۰ متر) و مالکیت شخصی ۶۳ درصد ساکنان تهران ویلا اشاره کرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). محله تهران ویلا به‌عنوان فضای اجتماعی پژوهش حاضر، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که آن را به بستری

مناسب برای مطالعه سازمان اجتماعی مهاجران روستایی و نقش آن‌ها در توسعه محلی تبدیل کرده است. این محله با ترکیب جمعیتی از طبقات متوسط رو به بالا و نرخ بالای مالکیت شخصی مسکن ساختاری نسبتاً پایدار، متراکم و دارای انسجام اجتماعی را شکل داده است. وجود امنیت نسبی، امکانات محلی، دسترسی به خدمات و ثبات خانوادگی از جمله عواملی هستند که موجب شده مهاجران بیدکی از دیرباز به این محله جذب شوند و در آن ماندگار شوند.



حقوق مالکیت معنوی این محصول منطبق به سایت www.digimaps.ir بوده و تمامی حقوق آن محفوظ است.

شکل ۲: هرم سنی جمعیت محله تهران ویلا

منبع: مرکز آمار ایران ۱۳۹۵

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که مهاجران بیدکی به واسطه شبکه‌های خویشاوندی، مشارکت مذهبی، اقتصادی و فرهنگی، نه تنها در این فضا ادغام شده‌اند بلکه در ساخت و توسعه آن نیز نقش فعالی داشته‌اند. آنها از ابتدای ورود با مشاغل ساختمانی، مصالح‌فروشی و خرده‌فروشی وارد بازار کار شهری شدند و به تدریج کسب‌وکارهای تخصصی‌تری در حوزه سیستم‌های گرمایشی و برندهای فنی (برند ایساتیس^۱) راه‌اندازی کردند. این رشد اقتصادی نه فقط به اشتغال‌زایی، بلکه

۱ - نام قدیمی یزد

به تقویت سرمایه اجتماعی و پیوندهای میان‌گروهی انجامیده است. انتخاب این برند که از پیوند عمیق مهاجران بیدکی با زادگاهشان نشأت می‌گیرد، نمایانگر تأثیر اجتماعی و اقتصادی این گروه در محله تهران ویلا است که در صنعت تأسیسات گرمایشی شناخته شده، به مهاجران بیدکی امکان داده تا هویت حرفه‌ای مستقل ایجاد کنند و در عین حال به ریشه‌های فرهنگی خود متکی باشند. انتخاب این نام نه تنها نشان‌دهنده اتحاد و همبستگی این گروه است، بلکه به‌طور ضمنی از شکل‌گیری یک بازار کار قومی حکایت دارد که در آن کسب‌وکارهای مرتبط با سیستم گرمایش توسط مهاجران بیدکی اداره می‌شود. این ساختار شبکه‌ای، مبتنی بر اعتماد و پیوندهای خانوادگی، به تثبیت موقعیت اقتصادی مهاجران و گسترش اشتغال‌زایی درون‌گروهی و میان‌منطقه‌ای کمک کرده است. تأثیر این برند در دو بعد قابل بررسی است: در سطح محلی، این برند موجب تقویت هویت اقتصادی مهاجران و شبکه‌های کسب‌وکار میان آنها شده، و در سطح بین‌منطقه‌ای، از طریق ارتباطات کاری، به توسعه اقتصادی مبدأ (بیدک یزد) کمک کرده و موجب حفظ هویت فرهنگی بیدکی‌ها شده است.

این نماد یک الگوی موفق مهاجرت است که در آن مهاجران بیدکی با حفظ پیوندهای خود با مبدأ، موجب رونق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر دو منطقه شده‌اند. این الگو نشان می‌دهد که مهاجرت روستایی-شهری، زمانی که همراه با سازمان اجتماعی قوی و شبکه‌های حمایتی باشد، می‌تواند به توسعه شهری و همچنین به توسعه پایدار روستای مبدأ منجر شود.

محلله دارای نهادهای اجتماعی فعال مانند مساجد، بازار روز، پارک‌ها و فضاهای عمومی است که به حفظ ارتباطات چهره‌به‌چهره، برگزاری مناسک مذهبی و تقویت فرهنگ مشارکت کمک کرده‌اند. این نهادها و فضاها به مهاجران امکان داده‌اند که ضمن حفظ هویت فرهنگی خود با مبدأ (زادگاه)، در جامعه شهری ادغام شوند. بسیاری از مراسم، جشن‌ها، مناسک مذهبی و حتی مدل‌های حمایتی درون‌گروهی، در این محله بازتولید شده‌اند و پیوند مداومی با زادگاه (بیدک یزد) حفظ شده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد که تهران ویلا تنها محل سکونت مهاجران بیدکی نیست، بلکه یک «فضای اجتماعی دوگانه» است که در آن هم‌زمان پیوندهای فرهنگی و اقتصادی خود را با روستا و شهر حفظ کرده‌اند. این پیوندها به صورت شبکه‌ای از برهمکنش‌های خانوادگی، تجاری، مذهبی و فرهنگی در هر دو حوزه مبدأ و مقصد، ساخت یافته‌اند و نمونه‌ای از توسعه دوگانه (در شهر و روستا) را به نمایش می‌گذارند. بنابراین، تهران ویلا نه تنها به مثابه بستر زیستی مهاجران روستایی عمل کرده است، بلکه با ساختار اجتماعی نسبتاً منعطف، ظرفیت

بالایی برای شکل‌گیری و بروز سازمان اجتماعی درون‌زای مهاجران فراهم آورده است؛ سازمانی که از دل روابط خویشاوندی، اعتماد اجتماعی، کارآفرینی و مشارکت مذهبی شکل گرفته و به عنوان تسهیل‌کننده توسعه محلی در سطوح اقتصادی، فرهنگی، نهادی و اجتماعی عمل می‌کند. وجود پیشینه‌ای از مهاجران روستایی که به سرعت در محله جذب شده‌اند، باعث تقویت فرهنگ مشارکت و همبستگی اجتماعی شده است. ترکیب جمعیتی محله که از طبقات متوسط رو به بالا تشکیل شده، موجب گردیده ساکنان تمایل بیشتری به مشارکت در برنامه‌های اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی داشته باشند. مالک بودن اکثر ساکنان نشان‌دهنده ثبات جمعیتی است، این امر به سازمان‌های اجتماعی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌های پایدار و بلندمدت‌تری داشته باشند. محله است که سازمان‌های اجتماعی می‌توانند از آن برای حمایت و گسترش فرصت‌ها استفاده کنند.

شبکه‌های اجتماعی قوی که توسط مهاجران بیدکی در تهران ویلا ایجاد شده، نه تنها به تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه محلی کمک کرده‌اند، بلکه از طریق افزایش اعتماد، همکاری و مشارکت اجتماعی، پیوندهای آنها با زادگاهشان حفظ شده است. مهاجران بیدکی، با برگزاری جشن‌ها، مراسم مذهبی و فعالیت‌های خیریه، شبکه اجتماعی خود را تقویت کرده و در این روند، در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده‌اند. این گروه از مهاجران با بهره‌گیری از ارتباطات اجتماعی خود، به توسعه هم‌زمان مناطق مبدأ و مقصد کمک کرده‌اند

مهاجران بیدکی با حمایت از خویشاوندان خود در زادگاهشان، فرصت‌های اشتغال و آموزش مهارت‌های جدید را در بیدک فراهم کرده‌اند و از طریق سرمایه‌گذاری در مسکن، کسب‌وکارهای کوچک و پروژه‌های توسعه‌ای، نقش مؤثری در پویایی اقتصادی روستای خود دارند. این فرآیند را می‌توان به «اقتصاد دوگانه» تشبیه کرد که در آن، دو منطقه از طریق شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی مهاجران به یکدیگر متصل شده و از مزایای متقابل بهره‌مند می‌شوند. در بعد اجتماعی و فرهنگی نیز مهاجران بیدکی از طریق مناسبات مذهبی، آیین‌ها و اجتماعات خانوادگی پیوندهای خود را حفظ کرده‌اند. سفرها به تهران و یزد، شرکت در مراسم مذهبی و ارسال کمک‌های مالی برای توسعه زیرساخت‌های روستا، نشان‌دهنده ارتباط مستمر آنها با بیدک است. وجود هیأت‌های مذهبی و مسجد مهدی در تهران ویلا، به مهاجران این امکان را داده تا شبکه اجتماعی خود را زنده نگه دارند و از این طریق، حمایت‌های مالی خود را به بیدک ارسال کنند.

این برهمکنش‌های فرهنگی، نه تنها هویت جمعی بیدکی‌ها را حفظ کرده بلکه موجب انتقال ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی میان دو منطقه شده است.

اکنون که تصویری از بستر اجتماعی و فرهنگی محله تهران‌ویلا به‌دست آمد و با توجه به ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی و فرهنگی محله تهران‌ویلا که در بخش پیشین توصیف شد، می‌توان زمینه شکل‌گیری و تداوم سازمان اجتماعی مهاجران روستایی ساکن این محله را بهتر درک کرد. در ادامه، با تکیه بر داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، مشاهده میدانی و برهمکنش مداوم با سه نسل از مهاجران بیدکی و کنشگران محلی، تحلیل نظام‌مند داده‌ها ارائه می‌شود. این تحلیل‌ها بر اساس مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، در چارچوب روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای انجام شده و در قالب یازده مقوله اصلی سامان یافته‌اند. این مقوله‌ها، ابعاد مختلف سازمان اجتماعی مهاجران روستایی و نحوه تأثیر آن بر توسعه محلی را تبیین می‌کنند. در نهایت، با تحلیل روابط بین مقوله‌ها، نظریه نهایی پژوهش به‌مثابه بازنمایی انتزاعی از واقعیت‌های میدانی ارائه خواهد شد.

• کدگذاری باز

در استخراج مفاهیم اولیه از داده‌ها در مرحله نخست تحلیل داده‌ها، یعنی کدگذاری باز، تلاش شد تا بدون پیش‌فرض نظری، مفاهیم معنادار از دل روایت‌ها، مشاهدات و مصاحبه‌های انجام‌شده استخراج گردد. در این مرحله، ۲۱۵ داده اولیه از گفت‌وگوها، یادداشت‌های میدانی و تحلیل موقعیت‌های زیسته مشارکت‌کنندگان کدگذاری شد. در ادامه با ادغام، پالایش و حذف هم‌پوشانی‌ها، به ۱۶۳ مفهوم کلیدی تقلیل یافت. این مفاهیم، بازتاب‌دهنده تجربه زیسته مهاجران روستایی در زمینه‌هایی چون خانواده، اقتصاد، مشارکت اجتماعی، تعلق مکانی و راهبردهای بومی سازگاری در محله شهری بودند. مفاهیمی همچون «همبستگی اجتماعی»، «شکل‌گیری شبکه‌های حمایتی»، «تعلق به فضای شهری» در کنار «وفاداری به مبدأ»، «اعتماد اقتصادی درون‌گروهی»، «حمایت خویشاوندانه در مواجهه با بحران» و «مشارکت مذهبی به مثابه ساختار انسجام‌بخش» از جمله نمونه‌های مفاهیم کلیدی بودند که در این مرحله نمایان شدند. این مفاهیم در کدگذاری محوری در قالب مقولات اصلی سازمان‌دهی شدند. در جدول زیر نمونه‌ای از مفاهیم اولیه استخراج شده و داده‌های مرتبط با آن ارائه می‌شود:

جدول ۱- برخی مفاهیم اولیه استخراج شده و داده‌های مرتبط

| مفهوم استخراج شده | داده |
|--------------------------------|---|
| شبکه حمایتی خویشاوندی | وقتی یکی از فامیل‌ها مریض می‌شه، همه جمع می‌شن کمک می‌کنن |
| همکاری اقتصادی مبتنی بر اعتماد | همه کارمون با همدیگه‌ست، سر ساختمان یا مغازه |
| مشارکت مذهبی در نهادسازی محلی | هیئت‌ها رو خود بچه‌های بیدک راه می‌ندازن |
| هویت دوگانه و تعلق مکانی | ما هنوز با بیدک در ارتباطیم، ولی اینجا هم ریشه داریم |

• کدگذاری محوری: تحلیل مقولات اصلی پژوهش

در مرحله دوم تحلیل، مفاهیم کلیدی به‌دست‌آمده از مرحله کدگذاری باز، با بهره‌گیری از منطق تحلیلی روش نظریه زمینه‌ای، در قالب مقولات محوری سازمان‌دهی شدند. کدگذاری محوری به‌منظور ایجاد پیوندهای مفهومی میان کدها و شناسایی الگوهای مفهومی مشترک انجام شد. در این مرحله، از میان ۱۶۳ مفهوم کلیدی، ۱۱ مقوله اصلی شناسایی شد که هرکدام نماینده یک بعد مهم از سازمان اجتماعی مهاجران روستایی در محله تهران‌ویلا هستند. این مقولات بر اساس فراوانی، عمق تکرار در داده‌ها، غنای معنایی و همچنین نقش آنها در ساختار اجتماعی مهاجران روستایی در محله تهران‌ویلا هستند. مقولات شناسایی‌شده در این مرحله، مبنای استخراج مقوله مرکزی و نظریه نهایی پژوهش قرار گرفتند. فهرست مقولات اصلی به‌دست‌آمده عبارت است از:

(۱) خویشاوندی نیرومند و شبکه‌های همیارانه

یکی از بنیان‌های اصلی سازمان اجتماعی مهاجران بیدکی، وجود روابط خویشاوندی گسترده و پُرتعامل است که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین حمایت عاطفی، اقتصادی و اجتماعی افراد دارد. این روابط خویشاوندی در تهران‌ویلا ساختارهای غیررسمی اما کارآمدی را ایجاد کرده‌اند که نه تنها به رفع نیازهای فردی کمک می‌کند، بلکه در مواقع بحران (بیماری، ازدواج، مرگ، بیکاری و...) نیز فعالانه عمل می‌کنند. یکی از مشارکت‌کنندگان نسل اول می‌گوید: «ما تو تهران‌ویلا مثل یه خانواده بزرگ هستیم؛ حتی اگه دور باشیم، همیشه برای هم وقت داریم.» این شبکه‌های همیارانه، زمینه‌ساز اعتماد متقابل، انتقال تجربه و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی‌اند. آنها در جای‌جای ساختار توسعه محلی نقش پنهان اما مؤثری دارند.

۲) کارآفرینی خرد و اقتصاد مبتنی بر اعتماد

اقتصاد مهاجران بیدکی از ابتدا بر پایه اشتغال خانوادگی و اعتماد شکل گرفته است. بسیاری از آنها با مشاغل ساختمانی، فروش مصالح، بنایی و سپس تأسیس برندهایی چون "ایساتیس" وارد فضای اقتصادی محله شدند. یک مشارکت‌کننده نسل دوم اشاره می‌کند: «ما اول با قرض از فامیل مغازه زدیم. اعتماد بود که کارمون رو گرفت؛ بدون بانک و ضامن.» این نوع اقتصاد اجتماعی، با تکیه بر سرمایه اجتماعی و شبکه‌های فامیلی، به توسعه اقتصادی پایدار در سطح محله انجامیده است.

۳) هویت دوگانه روستایی-شهری و تعلق مکانی

مهاجران بیدکی در تهران ویلا نوعی هویت دوگانه را تجربه می‌کنند: از سویی پیوندهای معنوی و خانوادگی‌شان با بیدک حفظ شده و از سوی دیگر با شهر و محله همدل و هم‌داستان شده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای از نسل سوم بیان می‌کند: «ما بچه‌تهران ویلا حساب می‌شیم، ولی هر سال محرم باید بریم بیدک. ریشه‌مون اونجاست.» این هویت دوگانه، عاملی مهم در حفظ سرمایه فرهنگی، انتقال بین‌نسلی ارزش‌ها و شکل‌گیری تعلق مکانی است که نقش مهمی در توسعه محلی دارد.

۴) مشارکت در مدیریت محله و نهادهای دینی-اجتماعی

مهاجران بیدکی در اداره امور محلی، به‌ویژه در نهادهای دینی، شوراهای محلی و امور خیریه، حضوری فعال و تعیین‌کننده دارند. آنها نقش تسهیل‌گر میان مردم و نهادهای رسمی را دارند. یکی از معتمدان می‌گوید: «ما وقف‌نامه مسجد رو خودمون نوشتیم، هیئت‌ها با بچه‌های بیدک می‌چرخن. مردم هم راضی‌ن.» این مشارکت نهادمند، به توسعه ظرفیت اجتماعی و اعتماد عمومی منجر شده است.

۵) سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و میان‌گروهی

مهاجران بیدکی با حفظ پیوندهای درون‌گروهی و گسترش برهمکنش با ساکنان غیر بیدکی، توانسته‌اند پل‌های اجتماعی مستحکمی بسازند که هم به انسجام اجتماعی و هم به ادغام در محیط شهری منجر شده است. یکی از مغازه‌داران می‌گوید: «ما با همه خوبیم، بیدکی باشه یا نه. ولی اگه بیدکی باشه، یه جوهره دیگه کمک می‌کنیم.» این سرمایه اجتماعی در دو سطح عمل می‌کند و زمینه‌ساز اعتماد، همدلی و توسعه مشارکت‌های محلی است.

۶) ساختار درونی و انسجام محله‌ای

ساختار اجتماعی تهران‌ویلا به واسطه حضور بلندمدت خانواده‌های مهاجر، نرخ بالای مالکیت و ارتباطات چهره‌به‌چهره، از انسجام اجتماعی بالایی برخوردار است که خود بستر مهمی برای مدیریت محله، مشارکت و ثبات محلی به شمار می‌رود. نسل اول از تهران‌ویلا: «اون موقع که ما اومدیم، با هم خونه ساختیم، همکار شدیم، بعد شدیم همسایه. یه جوری این محل رو خودمون ساختیم. هر کی کار بلد بود، به بقیه یاد می‌داد»

۷) سرمایه‌گذاری اقتصادی و توسعه پایدار

مهاجران با راه‌اندازی مشاغل خانوادگی، فروشگاه‌ها، دفاتر فنی، کارگاه‌های فنی-مهندسی و حتی برندهای تخصصی، در چرخه تولید و خدمات شهری فعالانه مشارکت دارند. یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «ما بچه‌بازاری نیستیم، ولی کارمون رو با کمک هم ساختیم. الان ۱۵ نفر نون‌خور این مغازه‌ان».

۸) شبکه‌های حمایتی خانوادگی و مذهبی

از مسجد و هیئت تا تشییع جنازه و عروسی، مهاجران شبکه‌هایی دارند که در هر بحران یا رویداد، وارد عمل می‌شوند. این شبکه‌ها امنیت روانی، همبستگی و احساس معنا را تقویت می‌کنند. زن نسل سوم می‌گوید: «تو محله وقتی یکی مریض میشه یا اتفاقی براش میوفته، هیئت یا مسجد **خبر** میدن و حمایتش میکنن»

۹) فرهنگ و ارزش‌های مشترک محله‌ای

مهاجران بیدکی با همراه کردن دیگر ساکنان، نوعی فرهنگ مشترک و بین‌فرهنگی در تهران‌ویلا ساخته‌اند. ارزش‌هایی چون احترام به بزرگان، کار جمعی، رعایت آداب مذهبی و اخلاق محله‌داری بازتولید شده است.

مشارکت‌کننده نسل اول زن: «اگه کسی تو محل فوت کنه خونواده‌اش تنها نمی‌مونن تو غذا پختن و مهمونداری کمکشون میکنن».

۱۰) راهبردهای سازمانی غیررسمی در محله

در غیاب نهادهای رسمی کافی، مهاجران سازوکارهای خودساخته‌ای برای مواجهه با مشکلات دارند: از هماهنگی برای امور خیریه گرفته تا میانجی‌گری در اختلافات و همکاری در بحران‌ها.

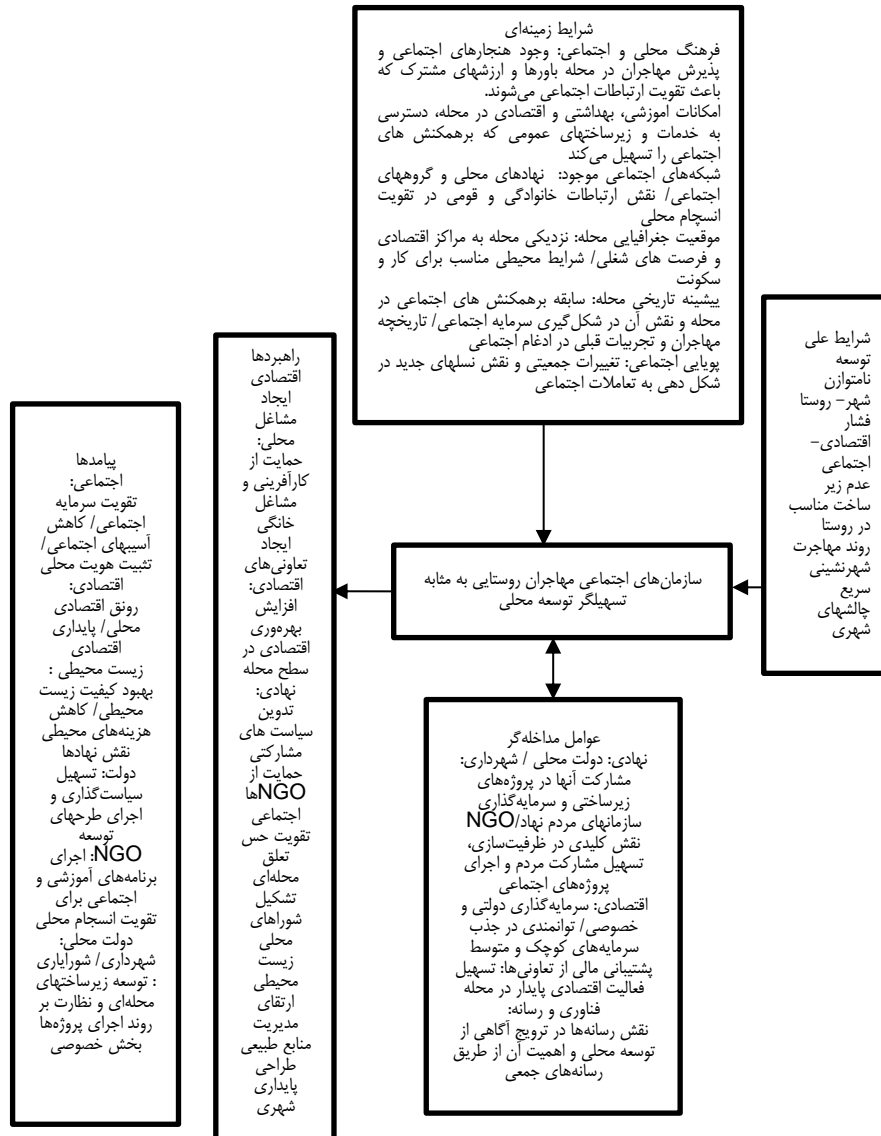
مشارکت کننده نسل دوم می‌گوید: « الان یه گروه واتسابی داریم پیام میدن به فامیل یکی ضامن بشه برای وام فلانی».

۱۱) نقش کنشگران کلیدی در نهادسازی محلی

افراد مرجع مانند بزرگان خانواده‌ها، پیش‌کسوتان صنفی و افراد مذهبی نقش کلیدی در انسجام، هدایت جمعی و انتقال تجربه دارند. این افراد اغلب پیوند بین جامعه و نهادهای رسمی را برقرار می‌کنند. مشارکت‌کننده‌ای از نسل اول اشاره کرد: «فلانی اگر نباشه، مسجد نمی‌چرخه. همه حرف اون رو می‌پذیرن. شورا هم باهاش هماهنگه».

• مقوله مرکزی

سازمان اجتماعی مهاجران روستایی به مثابه تسهیلگر توسعه محلی در مرحله کدگذاری انتخابی، بر پایه تحلیل رابطه میان مقولات یازده‌گانه استخراج‌شده، مقوله‌ای مرکزی شناسایی شد که هم‌زمان دربرگیرنده مضامین کلیدی و پیونددهنده همه ابعاد پدیده مورد مطالعه است. این مقوله، به‌عنوان هسته معنایی نظریه زمینه‌ای این پژوهش، چنین تعریف می‌شود: «سازمان اجتماعی مهاجران روستایی به مثابه ساختاری پویا، خودسامان‌ده و غیررسمی که از دل پیوندهای خویشاوندی، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های حمایتی و مشارکت‌های نهادمند سربرآورده و زمینه‌ساز توسعه محلی در سطح محله شهری شده است.» این سازمان اجتماعی نه به معنای یک نهاد رسمی، بلکه به‌مثابه یک نظم اجتماعی درون‌زا عمل می‌کند که در دل تجربه مهاجرت، زیست شهری و تلاش برای سازگاری و بقا، شکل گرفته است. مقوله‌های یازده‌گانه در پیوند با این مقوله مرکزی، عناصر سازنده آن هستند: پیوندهای خویشاوندی و شبکه‌های حمایتی خانوادگی، ستون‌های اصلی انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهند؛ سرمایه اجتماعی، بستر اعتماد و همکاری را فراهم می‌سازد؛ کارآفرینی خرد و سرمایه‌گذاری اقتصادی، ابعاد اقتصادی این سازمان را برجسته می‌کند؛ مشارکت در نهادهای دینی و محلی، آن را به عنوان بازیگری در نهادسازی و مدیریت محله تثبیت می‌کند و کنشگران کلیدی، عملکرد هماهنگ و بازتولید تجربه‌ها را ممکن می‌سازند. بنابراین، سازمان اجتماعی مهاجران بیدکی، نه‌تنها واکنشی به چالش‌های زندگی شهری، بلکه ظرفیتی فعال برای توسعه محلی است که از دل رابطه میان ساختار، فرهنگ و کنش جمعی برآمده است.



شکل ۱: مدل پارادایمی مقوله محوری سازمان‌های اجتماعی تسهیلگر توسعه محلی

نظریه نهایی پژوهش

بر پایه تحلیل داده‌ها در چارچوب نظریه زمینه‌ای و با تلفیق مقولات شناسایی شده، نظریه نهایی این پژوهش به این صورت قابل ارائه است: در بستر مهاجرت روستایی به شهر، سازمان اجتماعی مهاجران به‌عنوان ساختاری غیررسمی و خودسامان‌یافته، از طریق شبکه‌های خویشاوندی، سرمایه اجتماعی و مشارکت در نهادهای محلی، نقش تسهیل‌کننده ای در فرآیند توسعه محلی دارد. این سازمان اجتماعی، با ترکیب هویت دوگانه (روستایی-شهری)، کارآفرینی خرد و نهادسازی فرهنگی، نه تنها به بازتولید انسجام اجتماعی کمک می‌کند، بلکه فرآیند ادغام اجتماعی و نوسازی اقتصادی را در مقیاس محله شهری ممکن می‌سازد. این نظریه، نشان‌دهنده آن است که در شرایط نبود نهادهای رسمی کارآمد یا کم‌ظرفیت بودن ساختارهای دولتی، کنشگری جمعی مبتنی بر پیوندهای سنتی و اعتماد اجتماعی، می‌تواند به مثابه موتور توسعه محلی عمل کند. به بیان دیگر، سازمان اجتماعی مهاجران روستایی، ظرفیتی فعال و کارآمد برای مواجهه با چالش‌های شهرنشینی، فقر، حاشیه‌نشینی و ضعف ساختارهای اداری است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های کیفی این پژوهش حاصل از داده‌های مصاحبه‌های عمیق، مشاهده‌های میدانی مستمر و تحلیل اسناد بومی و محلی، به وضوح نشان می‌دهد که مهاجران روستایی بیدک، از بدو استقرار در محله تهران‌ویلا، یک سازمان اجتماعی منسجم و پویا شکل داده‌اند که فراتر از مجموعه‌ای از روابط خویشاوندی صرف، ساختاری نهادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. این سازمان اجتماعی، مبتنی بر چند لایه هم‌پوشان از شبکه‌های خویشاوندی، نهادهای محلی مذهبی (مانند حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی)، ساختارهای حمایتی متقابل، و نظام قواعد و هنجارهای مشترک عمل می‌کند که ثبات، پایداری و انسجام اجتماعی جمعیت مهاجر را تضمین کرده است. در این سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی به مثابه یکی از ارکان کلیدی و سازنده، نقش تسهیل‌کننده تعاملات بین فردی و جمعی را دارد، اما نباید با مفهوم کلان‌تر سازمان اجتماعی اشتباه گرفته شود. سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اعتماد، همکاری متقابل، اشتراک منابع اطلاعاتی و اجتماعی و مشارکت فعال در نهادهای اجتماعی است که به تقویت روابط همبستگی و تعهدات متقابل منجر می‌شود. اما سازمان اجتماعی بستر گسترده‌تری است که علاوه بر سرمایه اجتماعی، شامل ساختارهای نهادی، الگوهای رهبری، سیستم‌های ارتباطی

رسمی و غیررسمی و قواعد عملیاتی ضمنی و صریح است که همگی در پایداری اجتماعی مهاجران بیدکی و توسعه محلی تأثیرگذارند. یکی از عوامل کلیدی در شکل‌گیری و استحکام این سازمان اجتماعی، نقش برجسته فردی و نمادین «حسن زارع» به عنوان یکی از نخستین مهاجران و رهبران محلی است. «حسن زارع» با فعالیت‌های مستمر و شبکه‌سازی‌های اجتماعی خود، بنیان‌های سرمایه اجتماعی را به شکل ساختاری و نهادی شکل داده و با ایجاد نهادهای محلی همچون حسینیه‌ها و هیئت‌ها، فضای مشارکت و انسجام را تقویت کرده است. وی با ایفای نقش کانونی در پیوند خویشاوندی‌ها و تسهیل برهمکنش‌ها میان ساکنان، به تثبیت سازمان اجتماعی و تعمیق حس تعلق محلی کمک کرده است. این رهبری محلی و نقش‌های معنوی-اجتماعی، به عنوان محور اصلی سازمان اجتماعی بیدکی، امکان بقا و توسعه آن را در شرایط شهری و اقتصادی متغیر فراهم آورده است. در ابعاد ساختاری، سازمان اجتماعی مهاجران بیدکی دارای مولفه‌هایی نظیر شبکه‌های محلی، گروه‌های داوطلبانه، قواعد رفتاری و نظام‌های هنجاری و همچنین توزیع قدرت و نفوذ درون گروهی است که همه به تقویت انسجام و خودگردانی محلی منتهی شده است. نهادهای محلی بستری هستند که تعاملات اجتماعی را سازماندهی کرده، تضادها را مدیریت می‌کنند و منافع مشترک را پیش می‌برند. این ساختارهای نهادی، در ترکیب با سرمایه اجتماعی، یک پیکره سازمانی منسجم و مقاوم را ایجاد کرده که از پایداری اجتماعی و توسعه محلی حمایت می‌کند. داده‌های کمی ثانویه، شامل آمار مالکیت مسکن، سواد، تحصیلات و اشتغال، نقش مکمل و تصدیقی در تحلیل کیفی دارند. برای نمونه، نرخ بالای مالکیت مسکن که در حدود ۷۰ درصد تخمین زده شده، نشان‌دهنده تثبیت و سکونت پایدار اعضای این سازمان اجتماعی است که این امر زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری روابط اجتماعی قوی و سازمان‌یافته را فراهم می‌کند. پایداری سکونتی به عنوان یک عامل ساختاری کلیدی، ظرفیت ایجاد شبکه‌های برهمکنشی پایدار و تعهدات جمعی را درون سازمان اجتماعی افزایش داده است. این شاخص، برخلاف بسیاری از محله‌های مهاجرپذیر یا حاشیه‌نشین که با اجاره‌نشینی ناپایدار، جابه‌جایی مکرر و ضعف تعلق مکانی همراه‌اند، در تهران‌ویلا نشانگر یک سکونت بلندمدت، تثبیت‌شده و داوطلبانه است. مالکیت بالای مسکن، نه تنها نوعی امنیت اقتصادی و روانی برای خانوارها فراهم می‌آورد، بلکه از نظر جامعه‌شناختی به شکل‌گیری سرمایه مکانی، تعلق اجتماعی و مشارکت محله‌ای فعال کمک می‌کند؛ موضوعی که با یافته‌های پژوهش در خصوص مقوله‌های «انسجام محله‌ای»، «هویت دوگانه» و «مشارکت در نهادهای محلی» هم‌راستا است. همچنین است نرخ

بالای سواد و تحصیلات که حدود ۹۸ درصد از جمعیت را شامل می‌شود، این رقم بالاتر از میانگین شهری است. این سطح از سواد، که در نسل‌های دوم و سوم مهاجران تقویت شده، نقش بسزایی در انتقال تجربه بین‌نسلی، مشارکت اجتماعی معنادار و ارتباط با نهادهای رسمی و غیردولتی دارد. این سرمایه فرهنگی، به مهاجران بیدکی امکان داده است تا از نقش سنتی روستایی فاصله بگیرند و به کنشگران توسعه‌محور در محیط شهری تبدیل شوند—چه از نظر اقتصادی (در قالب برندهای تخصصی) و چه از نظر اجتماعی (در قالب هیئت‌ها، شوراهای و کنشگری دینی-فرهنگی).

بر اساس داده‌های مرکز آمار، نرخ اشتغال در محله تهران‌ویلا معادل ۸۶ درصد برآورد شده است. از میان جمعیت فعال ۵۷۲۲ نفر، تعداد ۴۸۹۷ نفر شاغل‌اند که از این میان ۳۴۴۵ نفر مرد و ۱۴۵۲ نفر زن هستند. آمار بالای اشتغال در محله تهران‌ویلا (۸۶ درصد از جمعیت فعال)، اگرچه در ظاهر در قالب داده‌های رسمی ارائه شده، اما در بستر اجتماعی این محله معنایی فراتر از اشتغال رسمی دارد. بخش مهمی از این اشتغال از طریق کارآفرینی خرد، خوداشتغالی‌های خانوادگی، و شبکه‌های اقتصادی مبتنی بر اعتماد شکل گرفته است؛ ساختارهایی که مستقیماً ریشه در سازمان اجتماعی مهاجران بیدکی دارند. برخلاف محلاتی که وابسته به ساختارهای شغلی رسمی‌اند، در تهران‌ویلا بسیاری از مشاغل از دل روابط خویشاوندی، همیاری درون‌گروهی و نهادهای مذهبی/محلی شکل گرفته و به اقتصاد درون‌زا و پایدار انجامیده‌اند. در اینجا، نرخ اشتغال رسمی نه به معنای جذب در بازار کار رسمی دولتی یا صنعتی، بلکه نشانگر پویایی نهادهای اجتماعی و فرهنگی محله‌ای است که فرصت‌های شغلی را بازتولید کرده‌اند. به **سخن دیگر**، سازمان اجتماعی مهاجران نه‌تنها بستری برای انسجام و هویت بوده، بلکه نقشی محوری در تولید فرصت‌های اقتصادی و تقویت توسعه محلی داشته است. داده‌های آماری وقتی در زمینه اجتماعی خاص محله تحلیل می‌شوند، به ما نشان می‌دهند که سازمان اجتماعی مهاجران نه‌تنها انسجام فرهنگی تولید کرده، بلکه تولید شغل و معیشت محلی را نیز سازمان داده است. این موضوع با مفاهیمی چون سرمایه اجتماعی بومی‌شده و کارآفرینی نهادی‌شده درون‌محله‌ای قابل تفسیر است و می‌تواند الگویی برای سایر مناطق مهاجرپذیر شهری تلقی شود. اگرچه آمار رسمی، اشتغال ۱۴۵۲ زن را در محله تهران‌ویلا ثبت کرده است، اما یافته‌های کیفی این پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این اشتغال در قالب فعالیت‌های خرد، خانگی، خانوادگی و مشارکتی انجام می‌شود. از مشارکت در فروشگاه‌های خانوادگی و کارگاه‌های کوچک گرفته تا

نقش فعال در نهادهای مذهبی، خیریه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی، نشان می‌دهد که زنان در این محله با تکیه بر پیوندهای خویشاوندی و سرمایه اجتماعی، به شیوه‌ای منعطف و درون‌زا در اقتصاد محله مشارکت دارند؛ الگویی که در سایر محلات مهاجرنشین کمتر مشاهده می‌شود...

یادداشت‌برداری میدانی از خیابان‌های اصلی و فرعی محله تهران‌ویلا نشان می‌دهد که نظام فعالیت‌های اقتصادی در این محله ساختاری دو لایه و پویا دارد. در خیابان‌های اصلی، حضور برندهای تخصصی، فروشگاه‌های لوازم تأسیساتی، ابزارآلات صنعتی، دفاتر خدمات فنی و تعمیرگاهی مشاهده می‌شود. این نوع مشاغل غالباً خانوادگی یا منشعب‌شده از کارآفرینی مهاجران بیدکی هستند و به‌نوعی بیانگر چرخش موفق از نیروی کار سنتی (بنایی، کارگری) به مالکیت تخصصی کسب‌وکارهای پایدارند. در مقابل، در خیابان‌ها و کوچه‌های فرعی، مشاغل لایه‌ای‌تر و محلی‌تر مانند خیاطی خانگی، فروش مواد غذایی سنتی، خدمات خانگی، کارگاه‌های کوچک و تعمیرات لوازم خانگی به چشم می‌خورد. این ساختار دوگانه نشان می‌دهد که محله دارای تنوع اقتصادی افقی و عمودی است و مهاجران توانسته‌اند در لایه‌های مختلف اقتصاد شهری حضور یابند. این یافته‌ها با داده‌های آمار کارگاه‌های صنعتی و معدن شهر تهران (سال ۱۳۷۳) همخوان است. آنچه مشاهده می‌شود، تثبیت همین وضعیت تا امروز، اما با ارتقا و نهادینه شدن فعالیتها در قالب برندهای شناخته شده محلی است. در واقع نظام فعالیت‌های اقتصادی در این محله حاصل تکامل تدریجی کار جمعی مهاجران روستایی است که از طریق خویشاوندی، اعتماد متقابل و انتقال بین نسلی تجربه‌ها، توانسته‌اند به ساختار اقتصادی رسمی، قانونی و پویای شهری راه یابند.

از منظر نظری، تحلیل‌های ارائه‌شده با دیدگاه پورتس (۲۰۱۸) و بومس (۲۰۰۶) همخوانی دارد که تأکید دارند سازمان‌های اجتماعی مهاجران می‌توانند هم عامل انسجام اجتماعی و هم دستورکاری برای توسعه محلی باشند؛ به‌ویژه زمانی که این سازمان‌ها از پایین و بر پایه شبکه‌های واقعی اعتماد شکل گرفته باشند. همچنین یافته‌ها با دیدگاه ویمر (۲۰۱۳) و نیل (۲۰۱۵) هم‌راستاست که سازمان اجتماعی مهاجران را نه صرفاً پاسخ به نیاز، بلکه کنشگر مؤثر در بازآفرینی فضاهای اجتماعی شهری می‌دانند. تحقیقات پرکینس و فیدمن و لاندائو نیز که بر نقش سازمان‌های محلی در ارتقای مشارکت، حس تعلق و همبستگی همسایگی تأکید دارند نیز با نتایج این پژوهش همسو هستند.

همچنین نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش‌های. اکبری و عوض‌پور (۱۴۰۱)، صفاریان و مرادی (۱۴۰۱)، ازکیا (۱۴۰۱)، خاکپور، مافی و باوان پوری (۱۳۹۵)، مظاهری (۱۳۹۴)، رستمعلی‌زاده (۱۳۹۵) همخوانی دارد که به بررسی انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با شهرنشینی در ایران پرداخته‌اند و تأکید کرده‌اند که تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند به بهبود این انطباق کمک کند. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان می‌دهد که تقویت سرمایه اجتماعی می‌تواند به بهبود انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری کمک کند. همچنین، با یافته‌های مطالعات خارجی که تقویت سرمایه اجتماعی را بهبود سازگاری مهاجران با زندگی شهری می‌دانند هم‌جهت است. یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی در میان مهاجران، شکل‌گیری شبکه‌های شغلی است. این شبکه‌ها به مهاجران این امکان را می‌دهند که از اطلاعات حرفه‌ای و شغلی یکدیگر بهره‌برداری کرده و فرصتی برای یافتن شغل‌های جدید یا بهبود شرایط کاری فراهم کنند. این شبکه‌ها همچنین می‌توانند به‌عنوان کانالی برای تبادل دانش، مهارت‌ها و تجربیات شغلی میان اعضای گروه‌های مهاجر عمل کنند و در نتیجه، مسیرهای شغلی جدید و فرصت‌های اقتصادی را برای آنان باز کنند. از آنجا که بسیاری از مهاجران در مراحل اولیه به‌دلیل عدم آشنایی با بازار کار و قوانین اقتصادی میزبان با مشکلات متعددی روبه‌رو می‌شوند، این شبکه‌های شغلی می‌توانند نقشی حیاتی در تسهیل فرآیند تثبیت اقتصادی مهاجران داشته باشد. در بعد فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی میان مهاجران نقش کلیدی در حفظ هویت فرهنگی و در عین حال ادغام در جامعه میزبان دارند. مهاجران از طریق تشکیل گروه‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توانند به تبادل تجربه‌های فرهنگی خود پرداخته و در عین حفظ هویت فرهنگی، به فرآیند ادغام اجتماعی در جامعه جدید کمک کنند. این گروه‌ها به مهاجران این امکان را می‌دهند که در عین مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به ترویج زبان و فرهنگ خود پرداخته و از طریق این برهمکنش‌ها، به نهادینه‌سازی هویت‌های متنوع فرهنگی در جامعه میزبان کمک کنند. سرمایه اجتماعی در قالب این شبکه‌ها همچنین به‌عنوان منبعی از اعتماد متقابل و همکاری جمعی عمل می‌کند. این شبکه‌ها در واقع به مهاجران این امکان را می‌دهند که در شرایط نامشخص و دشوار، بر اساس روابط شخصی و آشنایی‌های قبلی، به منابع اجتماعی، اقتصادی و اطلاعاتی دست یابند. این امر به‌ویژه زمانی که مهاجران با مشکلات جدی در حوزه‌های مختلف مواجه هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. اعتماد، یکی از ارکان اصلی این

سرمایه است که باعث می‌شود مهاجران در بحران‌ها و چالش‌ها بتوانند به یکدیگر پناه ببرند و از همکاری برای حل مسائل بهره‌گیرند

هرچند این پژوهش محدودیت‌هایی از جمله دسترسی محدود به داده‌ها و تمرکز بر یک محله خاص داشته است، اما تلاش دارد نقش سازمان اجتماعی را در توسعه پایدار روشن کند. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، اثرات بلندمدت این عوامل بررسی و نقش فناوری‌های نوین در تقویت سرمایه اجتماعی و توسعه محلی مورد توجه قرار گیرد. این تحقیق به‌طور کلی نشان می‌دهد که حرکت به سمت پایداری نیازمند تقویت همکاری‌های اجتماعی، افزایش شفافیت و گسترش ظرفیت‌های محلی است، که در نهایت به بهبود کیفیت زندگی و پایداری محله منجر می‌شود.

منابع

- اشتراوس، انسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه ابراهیم انتشار، نشر نی
- ویمر، آندریاس (۱۳۹۶). مرزبندی قومیتی: نهادها، قدرت و شبکه‌ها، ترجمه، محمدرضا فدایی، تهران: شیرازه کتاب
- ازکیا، مصطفی؛ هاشمی، عبدالرسول؛ موسوی، سید یعقوب (۱۴۰۱). فقر شهری به مثابه طرد اجتماعی از بازار کار: راهبردها و پیامدها (مطالعه موردی: مهاجران فقیر روستایی شهر تهران). فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره چهاردهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۲، ۱-۵۰
- اکبری، الهام؛ یزدان‌پرست، مریم؛ عوض‌پور، لیلا (۱۴۰۲). سرمایه اجتماعی شبکه‌ای و مدیریت پایدار روستایی (مورد مطالعه: شهرستان قلعه گنج).
- خاکپور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله؛ باوان پوری، علیرضا (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد). مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
- زاهد زاهدانی، سید سعید (۱۴۰۰). حاشیه‌نشینی در ایران و ریشه‌های آن. دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسییهای اجتماعی دانشگاه شاهد، دوره ۳، شماره ۳
- صفاریان، محسن؛ مرادی، علی (۱۴۰۱). عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی و فرهنگی مهاجران در محیط‌های شهری با استفاده از روش فراتحلیل تحقیقات انجام شده، مطالعات جامعه‌شناسی شهری، دوره ۱۲، شماره ۴۳، ص ۶۵-۹۸

مظاهری، امیر (۱۳۹۴). سنخ‌شناسی انطباق اجتماعی مهاجران روستایی با زندگی شهری (مطالعه منطقه ۱۶ تهران). دوره ۵. شماره ۱۵. ص ۱۵۴-۱۲۳

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵
مرکز آمار ایران (۱۳۹۸). بررسی روند تغییرات ساختار و ترکیب جمعیت کشور و آینده آن تا افق ۱۴۳۰ شمسی بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری گروه جمعیت و سلامت

Agenda21- United Nations: Transforming our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development

Bommes.M(2011). National Paradigms of Migration Research.

Bommes.M(2008). Migration and Social System: Theoretical and Empirical Perspectives

Feldman (2017). The Role of Social Networks in the Integration of Chinese Rural-Urban Migrants: A Migrant-Resident Tie Perspective and Marcus Volume 50, Issue 9
<https://doi.org/10.1177>

Loren.M, Landau.B(2011). Bridges to Nowhere: Hosts, Migrants, and the Chimera of Social Capital in Three African Cities Sangeetha <https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2011.00431.x> Citations: 43

Nail.T (2015), The Figure of the Migrant .Stanford University Press

Palmer.A, Douglas.D(2010)Social capital and community participation among migrant workers in <https://doi.org/10.1002/jcop.2041>

Portes, A. (2010). Migration and social change: Some conceptual reflections. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 36(10),1563-1576

Portes, A. (2012). Illegal immigration and the international system: Lessons from recent legal Mexican immigrants to the United States. *American Sociological Review*, 34, 505-537

Portes, A. (2014). The social origins of the Cuban enclave economy of Miami. *Sociological Perspectives*, 30, 340-372

Portes, A. (2018). Embeddedness and immigration: Notes on the social determinants of economic action. *The sociology economic life*, 93-115

Portes, A. (2024). The social capital: Its origins and applications in modern sociology.53-76

UN-Habitat(2023).Population distribution. Urbanization, internal migration and development an international perspective, UN department of economic and social

UN-Habitat. (2021). Informal settlements. (Habitat III Issue Paper 22). Nairobi: UN-Habitat World Bank sustainable cities report 2020